هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله
مذاکرات صلح و توجه به آسیب شناسی مصالحه در کشور ص۲

سیاست یهودی سازی دولت اسراییل در قدس شریف ص۶

په ننگرهارکې هم د يو ډله ايز قبر موندنه ۵مخ

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ اول ۷ حمل ۱۳۸۹ – ۱۰ ربیع الثانی ۱٤۳۰ - 26 March 2010

سفر آقای کرزی به چین
و دورنمای رابطهٔ افغانستان و چین



حامد کرزی به تاریخ ۳حمل برای یک دیدار رسمی دو روزه به جمهوری مردم چین سفر نمود. در این سفر شماری از مقام های دولت مانند وزیر امور خارجه و شماری از تاجران رئیس جمهور را همراهی کردند.

رئیس جمهور در این سفر با "هوجین تاو" رئیس جمهور چین، "ون جیه بو" صدر اعظم و رئیس کنگرهٔ خلق چین ملاقات نمود، او با سرمایه گذاران و تاجران چین و همچنان استادان و دانشجویان دانشگاه پیکن نیز دیدار داشت.

دست آوردهای اقتصادی سفر کرزی

در این سفر موافقتنامهٔ مساعدت ۱۶۰میلیون یوان چینی، معافیت گمرکی صادرات افغانستان به چین و موافقتنامهٔ اعزام کارمندان دولت افغانستان به چین جهت شرکت در برنامه های کوتاه مدت آموزشی به امضای جانبین رسید. **ادامه درص۳**

جرگه مشورتی نهم ثور
و تلاش های گروه های درگیر برای مذاکره

وحید مژده

آمادگی ها برای تدویر جرگهء مشورتی صلح ادامه دارد. در این جرگه که قرار است در نهم ثور دایر گردد، علاوه بر اعضای پارلمان افغانستان و اعضای شورای سراسری علما، اشخاص متنفذ و بزرگان قومی از سراسر کشور نیز اشتراک خواهند کرد.

حامدکرزی از تدویر چنین جرگه در کنفرانس لندن خبرداد که با حمایت کشورهای اشتراک کننده مواجه شد و این مسئله موجب گردید تا پاکستان به دستگیری رهبران طالبان از جمله ملابرادر دست بزند. بعدا مشخص شد که کای آیده نمایندهء سابق سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، دور از چشم مقامات پاکستانی دیدار هائی با طالبان داشته است. **ادامه درص۲**

په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د نوي استازي "دي میستورا" د پاملرنې وړ:

راتلونکي پارلماني ټاکنې او دولس هيلې

۶مخ

جدول زمانی انتخابات پارلمانی اعلام شد

روز پنجشنبه ۵ حمل داوود علی نجفی رئیس دارالانشای کمیسیون انتخابات جدول زمانی برگزاری دور دوم انتخابات پارلمانی افغانستان را اعلام کرد.

بر پایهٔ این زمان بندی از ۲۱ حمل تا ۱۴ ثور زمان ثبت نام کاندیداها و روز ۲۷ سنبله برگزاری انتخابات و ۳۰ اکتبر یعنی ۴۲ روز بعد از برگزاری انتخابات اعلام نتایج صورت خواهد گرفت.

پس از افتضاح تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته نگرانی های زیاد در زمینهٔ شفافیت انتخابات پارلمانی در میان مجامع بین المللی به وجود آمده است، توقع می رفت جهت زدودن این نگرانی ها اصلاحاتی در قانون انتخابات و ساختار کمیسیون مستقل انتخابات به وجود بیاید.

اما نه تنها اصلاحاتی برای بهبود کار کمیسیون به وجود نیامده بلکه در قانون انتخابات از سوی رئیس جمهوری تغییرات و تعدیلاتی به وجود آمده است که میزان شک و تردیدها در شفافیت این انتخابات افزایش می دهد.

بر پایهٔ تعدیلات بار نخست در قانون انتخابات کمیسیون شکایات انتخاباتی فاقد اعضای بین المللی می شد وهر پنج عضوی آن از سوی رئیس جمهور تعیین می گردید، اما بر اثر فشار های جوامع بین المللی دوباره رئیس جمهور آن را تعدیل کرد تا دو عضو به جای سه عضو بین المللی پذیرفته شوند. این در حالی است که نمایندهٔ سازمان ملل در افغانستان از ضرورت تغییرات اساسی در کمیسیون انتخابات سخن گفته بود.

هرچند آقای نجفی از برکناری پنج رئیس دفتر ولایتی انتخابات و به اتهام ایجاد مشکل در انتخابات گذشته خبر داد و بیشتر از این از برکنار کردن شش هزار کارمندی که در تقلب کاری های انتخابات پیشین دخیل دانسته شده بودند نیز داده شده بود.

آقای نجفی این تدابیر را برای شفاف سازی روند انتخابات مفید ارزیابی کرد اما بسیاری از تحلیل گران و ناظران به این باور اند که کمیسیون مستقل انتخابات در انتخابات ریاست جمهوری گذشته تقلب گسترده را به نفع آقای کرزی سازمان داده است، و به شدت این نگرانی وجود دارد که اگر تغییراتی در ساختار کمیسیون انتخابات به وجود نیاید دولت باز دست به تقلب گسترده به سود کاندیداهای مورد نظرش خواهد زد.

مذاکرات حکمتیار با دولت

واقف حکیمی

در این روزها موضوع مذاکرات هیأت آقای حکمتیار با دولت از داغ ترین خبرهای افغانستان در رسانه های داخلی و بین المللی است.

قریب به یک هفته می شود که هیأتی از حزب اسلامی آقای حکمتیار به ریاست مهندس قطب الدین هلال در کابل به سر می برد.

آقای کرزی پیش از سفرش به چین با هیأت حزب اسلامی دیدار و گفتگو کرد. گفته می شود آقای کرزی پس از بازگشت از سفر چین مجدداً دیداری با این هیأت و مذاکراتی انجام خواهد داد.

آقای وحیدعمر سخنگوی رئیس جمهور که رئیس جمهور را در این سفر همراهی می کرد، مسائل منطقه یی و برنامهٔ مصالحهٔ دولت با مخالفان مسلح را از موضوعات مورد بحث با رهبران چینی در این سفر به رسانه ها گفت. مذاکرات هیأت



حزب اسلامی با دولت می تواند از محورهای مهم گفتگوی رئیس جمهور با رهبران چین بوده باشد، چین به دلیل روابط تاریخی و استراتیژیکی که با پاکستان دارد بی تردید می تواند در جلب همکاری جدی پاکستان به این مصالحه نقش مهم بازی کند.

هرچند دربارهٔ مذاکرات حزب اسلامی آقای حکمتیار و دولت از پیش سخنانی در محافل خصوصی و گاهی در سانه ها گفته می شد اما این نخستین بار است که به صورت رسمی هر دو جانب به چنین آشکاری از مذاکرات و گفتگوهایی سخن می گویند.

چندین بار خبرهایی مبنی بر این که حزب اسلامی آقای حکمتیار گفتگوهایی با دولت داشته است منتشر شد، در یک سال پیش به وساطت کشور عربستان سعودی دیداری میان هیأت هایی از طالبان و حزب اسلامی و دولت در مکهٔ مکرمه صورت گرفت و نیز در ماه دلو سال گذشته در نشست مالدیو که به ابتکار آقای همایون جریر یکی از اعضای بلند پایهٔ پیشین حزب اسلامی آقای حکمتیار برگزار شده بود که در آن نمایندگانی از نیروهای مؤثر در قضیهٔ افغانستان به شمول دولت و حزب اسلامی شرکت کرده بودند، ولی به گونهٔ رسمی حزب اسلامی آقای حکمتیار شرکت در این گفتگوها را رد کرد. **ادامه درص۷**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

مذاکرات صلح و توجه به آسیب شناسی مصالحه در کشور

در این روزها دور جدید از پروسهٔ مصالحه و مذاکره در کشور به راه افتیده است. در حالی که قرار است حکومت آقای کرزی به تاریخ ۹ثور امسال یک نشست بزرگ مشورتی صلح در کابل برگزار نماید، نمایندگان حزب اسلامی حکمتیار در پایتخت به سر می برند و مذاکراتی با دولت به صورت آشکار انجام داده اند. در عین حال گزارش هایی وجود دارد که چنین تماس ها و یا مذاکراتی با گروه طالبان نیز صورت گرفته است.

یکی از سخنگویان دولت با تأیید مذاکره با گروه طالبان دستگیری رهبران این گروه در پاکستان را با این مذاکرات در پیوند خوانده است.

آغاز رسمی مذاکرات بیانگر آن است که به صورت بی سابقه نیاز به مذاکره و مصالحه درمیان گروه ها احساس می شود. چنین نیازی می تواند بستر قابل اعتمادی را برای راه افتیدن پروسهٔ عملی مصالحه به میان اورد.

همه می پذیرند که کنار گذاشتن سلاح و خشونت و روی آوردن به گفتگو برای حل بحران، تصمیم خردورزانه است که از حمایت قاطبهٔ مردم بهره مند می باشند. اما در گذشته همیشه این خواسته و تمایل براثر طرح های ناقص و یا غرض آلود برخی گروه ها و یا برخی کشورها تخریب گردیده و بسا از تلاش های صادقانهٔ شماری از گروه ها که در گذشته به راه افتیده با ناکامی روبر شده است.

بنا بر این برای آغاز موفقانهٔ پروسهٔ مذاکره و مصالحه و تأمین ادامهٔ موفقیت آن، توجه به آسیب شناسی مذاکره و مصالحه در کشور در جایگاه نخست اهمیت قرار دارد.

نشستن روی میز مذاکره با روحیهٔ برابری پسندانه و عدالت خواهانه برای موفقیت هرگونه مذاکره و مصالحه، نیاز اساسی دانسته می شود، ادامهٔ این موفقیت هم به میزان زیادی بستگی به موجودیت این روحیه دارد. در هر مذاکره برابری و برادری میان شهروندان کشور بدون اصل قرار دادن تمایزات زبانی، نژادی و قبیله یی کلید یافتن راه حل بحران در کشور است.

متأسفانه بحران مزمن کشور ما ریشه در باور و رفتار کژاندیشانی دارد که در گذشته با از میان بردن برابری و برادری بذر دشمنی و کینه درمیان مردم افشاندند و هنوز هم بحران از آن بذرها تغذیه می شود.

مذاکره و مصالحه باید از محدودهٔ تنگ بده و بستان دو گروه و یا چند گروه درگیر، فراتر رفته مصالح کلی و اساسی جامعه اهمیت محوری پیدا کند.

تقریباً یک باور همگانی و غیر قابل انکار وجود دارد که قسمتی از ریشه های بحران در کشور ما از بیرون مرزها آبیاری می شود، تا زمانی که به چنین زمینه های بحران توجه نشود و پروسهٔ مذاکره و مصالحه از چتر تأثیر گذاری خارجیان بیرون نشود، یافتن راه حل قابل اطمینان کار دشواری به نظر می رسد.

ما باید به منطق و گفتمان باور شایسته پیدا کنیم و با توسعهٔ میز مذاکره برای کسانی هم که تفنگ ندارند اما حرفی برای گفتن دارند جای باز شود، چنین پیشرفتی می تواند خردگرایی و مردم سالاری که سنگ بنای اصلی صلح است چیرگی پیدا کند.

جرگه مشورتی نهم ثور

و تلاش های گروه های درگیر برای مذاکره



بقیه از صفحهٔ اول

در شرایطی که بحث در مورد گرفتاری بعضی از رهبران طالبان در رسانه ها ادامه داشت، حدود دوهفته قبل یک هیأت بلند رتبه از حزب اسلامی شامل نمایندگان این حزب در اروپا و امریکا به کابل آمد. این هیئات طرحی را در پانزده ماده با خود آورده است که گمان می رود به قلم رهبر این حزب گلبدین حکمتیار نوشته شده باشد.

در این طرح پیشنهاد شده است که نیروهای خارجی در مدت شش ماه پس از قبول این طرح، خروج خود را از افغانستان آغاز نمایند. در کشور انتخابات جدید ریاست جمهوری، ولسی جرگه و شورا های ولایتی بصورت همزمان صورت گیرد و زندانیان سیاسی آزاد شوند...

مسئلهء مهم در این رابطه موقف طالبان است که ابتکار جنگ در افغانستان را در دست دارد. طالبان در بارهء مذاکرات حزب با دولت بصورت محتاطانه ابراز نظر نموده و گفته اند که آنها به جنگ ادامه خواهند داد. اما خواست های طالبان را نیز در این میثاق وحدت می توان یافت. موقف طالبان در مورد مذاکره دارای سه شرط است که سخنگوی سیاسی طالبان در همان مصاحبه روشن ساخته است. این سه شرط عبارتند از:

* اعلام رسمی آمادگی برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان. تا به این وسیله فضای اعتماد برای مذاکرات با شما بمیان آید.

* تمام زندانیان طالبان که در زندان های شما بسر می برند باید آزاد شوند تا ما بدانیم که شما در مذاکره و صلح با حسن نیت شامل می شوید.

* باید اسامی تمام کسانی را که در لیست های سیاه خویش شامل ساخته اید از این لیست ها خارج سازید تا مذاکرات با شما بصورت اصولی صورت گیرد. در این مذاکرات در یکطرف شما (امریکائی ها) و در جانب دیگر نمایندگان واقعی مردم افغانستان (مقصود نمایندگان مخالفین مسلح دولت است) باید شرکت داشته باشند. در چنین صورتی ما با دشمن خود تفاهم کرده می توانیم.

اما اگر آن اداره (مقصود دولت کابل است) که تحت سایه استعمار در افغانستان شکل گرفته و بنام افغانها نامگذاری شده است، از ما تقاضای مذاکره نماید، ما در این مورد قبلا هم گفته ایم که امارت اسلامی افغانستان قصد مذاکره با این اداره را ندارد.

بقول ملا معتصم این سه شرط به امریکائی ها ارائه شده است و اگر آنها این شرایط را قبول کنند، طالبان حاضر اند تا با آنها مطابق به اصول و قوانین بین المللی مذاکره نمایند.

اما فقط مخالفین مسلح نیستند که باید در رابطه با جنگ یا صلح نظر بدهند؛ اپوزیسیون سیاسی حکومت و نیز نهاد های دیگری هم وجود دارند که در رابطه با صلح باید با آنها مذاکره شده و نظر آنان پرسیده شود. به این منظور، رئیس جمهور کرزی می خواهد با همه جهت ها مشوره نماید و جرگهء مشورتی صلح برای همین منظور دایر خواهد شد.

حامدکرزی می داند که مشکل افغانستان یک مشکل داخلی نیست بلکه ابعاد منطقوی و جهانی دارد، او برای شریک ساختن کشور های دیگر بخصوص کشور های همسایه هم تلاش نموده است. سفر او به عربستان سعودی و درخواست از شاه سعودی برای میانجیگری میان حکومت افغانستان وطالبان، مطرح ساختن این مسئله در کنفرانس لندن و درخواست حمایت بین المللی از این طرح. سفر به ترکیه و مذاکره با پاکستان و ایران، همه نمایانگر تلاش کرزی برای رسیدن به این هدف است اما مشخص نیست که تا زمانیکه امریکا با این طرح [illegible]

در اینجا یک مسئله دیگر نیز قابل بحث است که نه به محتوای مسایل بحث در جرگه بلکه به ماهیت این جرگه از نظر تخنیکی رابطه می گیرد و آن اینست که آیا فیصله های یک جرگهء به منظور مشوره فراخوانده می شود تا چه حد می تواند از نظر اجرائی الزام آور باشد؟ بعضی ها به این باور اند که این جرگه فقط ماهیت مشورتی دارد و فیصله ای نباید صادر نماید.

همکاری نکند، حکومت افغانستان نخواهد توانست مخالفین مسلح را متقاعد سازد که دست از جنگ و خشونت بردارند.

در جرگهء صلح روی یک چهارچوب برای مذاکرات با مخالفین مسلح دولت مشوره خواهد شد اما در این رابطه همه با هم نظر واحد ندارند. بعنوان مثال در طرح حزب اسلامی افغانستان از قانون اساسی جدیدی سخن به میان آمده که باید از مقایسه میان قانون اساسی فعلی دولت افغانستان، قانون اساسی مطرح شده توسط طالبان و قانون اساسی که حکمتیار مسودهء آنرا بدست نشر سپرده است یکی انتخاب گردد ویا میان این سه قانون تلفیقی بمیان آید. شاید بعضی ها به این باور باشند که هرگونه تغییر در قانون اساسی فعلی، به آزادی های فردی و حقوق زن صدمه وارد آورد. بعضی ها هم که در طول نه سال گذشته از مزایای خیلی زیادی برخوردار بوده اند، اکنون با آمدن دیگران جای خود را تنگ تر خواهند یافت و در صدد ایجاد مشکل برخواهند آمد. اینها همه چالشهائی است که می تواند وجود داشته باشد.

اما در این اواخر نشانه هائی از تغییر در سیاست های امریکا محسوس است. (دسترسی به یک پیروزی قطعی نظامی) دیگر طرفداران خود را از دست داده است. نماینده گان حزب اسلامی که از امریکا و اروپا آمده اند و طرح خود مبنی بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان را به امریکائی ها ارائه کرده اند می گویند که در گذشته امریکائی ها به پیروزی نظامی باور داشتند اما اکنون به این باور اند که باید بصورت جدی تر روی پروسهء صلح وتفاهم کار صورت بگیرد حتی اگر برای این کار لازم به خروج نیروها از افغانستان باشد.

اما در مورد خروج نیروهای خارجی از افغانستان نگرانی هائی هم وجود دارد. رئیس کنفرانس اسلامی اخیرا گفت که اگر خروج نیروهای خارجی از افغانستان بصورت ناگهانی وسریع صورت گیرد، ممکن است عواقب وخیمی در قبال داشته باشد.

این نگرانی با توجه به گذشتهء خونینی است که پس از خروج نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، این کشور با آن مواجه گردید. چنین نگرانی در میان افغانها هم موجود است و بدون تردید در جرگهء مشورتی صلح از جملهء مسایل حساس قابل بحث خواهد بود.

اما در اینجا یک مسئله دیگر نیز قابل بحث است که نه به محتوای مسایل بحث در جرگه بلکه به ماهیت این جرگه از نظر تخنیکی رابطه می گیرد و آن اینست که آیا فیصله های یک جرگهء به منظور مشوره فراخوانده می شود تا چه حد می تواند از نظر اجرائی الزام آور باشد؟ بعضی ها به این باور اند که این جرگه فقط ماهیت مشورتی دارد و فیصله ای نباید صادر نماید.

اگر ما جرگه های مهم وسرنوشت ساز در کشور را مورد بررسی قرار دهیم در می یابیم که تمام این جرگه ها ماهیت مشورتی داشته است. لویه جرگهء مزار شیرسرخ که احمدشاه درانی را به پادشاهی انتخاب کرد و لویه جرگهء مانجه که به قیام علیه تسلط ایران انجامید هردو با مشوره به فیصله رسیدند. جرگه ای که در آن مشوره وجود نداشته باشد، جرگه نیست بلکه مجمعی برای ابلاغ تصامیم از قبل گرفته شده است. هرچند چنین گردهمائی هائی بنام جرگه هم در کشور ما سابقه دارد اما این گونه اجتماعات نتوانسته تا گرهی از مشکل باز نماید.

سفر آقای کرزی به چین

و دورنمای رابطهٔ افغانستان و چین

احمد مهدی



ضعف دولت آقای کرزی در جلب سرمایه گذاری خارجی، چالش دیگر علاقمندی دولت افغانستان برای جلب سرمایه گذاری چینی ها است، با آن که دولت افغانستان چندین بار تقاضای ساخت راه واخان را با رهبران چینی درمیان گذاشته است، اما تا کنون نتوانسته یک طرح ابتدائی منسجم در این زمینه به چین و دیگر کمک کنندگان افغانستان ارائه نماید

بقیه از صفحهٔ اول

چین تا کنون حدود ۱۷۰میلیون دالر امریکایی برای افغانستان مساعدت نموده است که در پروژه های مختلف مانند کانال آبیاری پروان و شفاخانهٔ جمهوریت در کابل به مصرف رسیده و حدود ۷۵میلیون دالر دیگر را که قبلاً به عنوان قرضه برای افغانستان تعهد نموده به کمک بلاعوض تبدیل نموده است.

کمک های اخیری که چین در سفر کرزی به آن کشور اعلان نمود از ۷۵میلیون اخیر اجرا خواهد شد.

چین تا کنون کمک های بلاعوض اندکی برای افغانستان انجام داده است، اما سرمایه گذاری آن کشور در معدن مس عینک که ۲,۸۹میلیارد دالر می باشد بزرگترین سرمایه گذاری خارجی در افغانستان است.

چین با آن که امکانات وسیع اقتصادی در اختیار دارد، اما آمادهٔ کمک بلاعوض قابل ملاحظه برای افغانستان و هیچ کشور دیگری نیست، چین تنها آمادهٔ سرمایه گذاری به منظور به دست آوردن مواد خام و منافع اقتصادی است. انتظار این که افغانستان بتواند کمک های قابل ملاحظ بلاعوض چین مانند امریکا و کشورهای اروپایی و یا کشورهای همسایه به دست آورد، نامحتمل به نظر می رسد.

آنچه که افغانستان می تواند از رابطه با چین به دست آورد جلب سرمایه گذاری های آن کشور می باشد.

آقای کرزی در این سفر تقاضای همکاری چین در احداث راه مستقیم میان دو کشور از طریق دالان واخان را با رهبران چین مطرح کرد، این تقاضایی است که در گذشته نیز آقای کرزی چندین بار از رهبران چینی داشته است، اما چینی ها تا هنوز در ارزیابی های خویش به منافعی که ممکن است این راه برای شان داشته باشد اطمینان پیدا نکرده اند.

اگرچه ایجاد راه های متعدد با خارج، جایگاه مهمی در استراتیژی اقتصادی و تجارتی آن کشور دارد، اما چین گمان می کند شاهراه قراقرم که آن کشور را به پاکستان، ایران و خلیج فارس و بحر هند متصل می کند و همچنان راه های زمینی که با کشورهای آسیای میانه مانند تاجیکستان، قرغیزستان و قزاقستان دارد، این کشور را از داشتن راه زمینی با افغانستان بی نیاز می سازد.

آقای کرزی در این سفر سرمایه گذاری چین در معادن دیگر افغانستان از جمله معدن حاجی گک و یا سرمایه گذاری در بخش انرژی و زراعت را مطرح کرد، اما، رهبران چین تعهداتی روشن در این زمینه ها با رئیس جمهور افغانستان ندادند.

سرمایه گذاری چین در افغانستان فرصت طلبی یا مخاطره جویی:

سرمایه گذاری چین در افغانستان از یک سو یک فرصت طلبی اژدهای زرد تعبیر گردیده و از سوی دیگر، یک اقدام مخاطره آمیز ارزیابی شده است. برخی از رسانه های امریکایی سرمایه گذاری چین در معدن مس عینک را بهره برداری آن کشور از حضور نیروهای امریکایی می خوانند و می گویند در حالی که سربازان امریکایی همه روزه متحمل تلفات می گردند و کشورشان میلیاردها دالر را جهت تأمین امنیت افغانستان به مصرف می رساند، اما چین بدون آن که سهمی قابل توجهی در برقراری امنیت افغانستان داشته باشد در صدد سودجویی و بهره برداری از منابع افغانستان می باشد.

برخلاف، برخی منابع چینی سرمایه گذاری کشورشان را اقدام پرمخاطره دانسته می گویند ممکن است چین نتواند به آسودگی از منافع قرارداد مس عینک بهره جویی نماید. برخی ها انصراف شرکت ام سی سی چین که در معدن مس عینک سرمایه گذاری نموده از داوطلبی در معدن آهن حاجی گک را نمونهٔ نگرانی چین از امنیت افغانستان می دانند.

چالش های رابطه افغانستان وچین:

با آن که چین برای تغذیهٔ کارخانه های انبوه و در حال توسعهٔ خویش، عطش شدید برای دستیابی به مواد خام دارد و گزینهٔ سرمایه گذاری افزوده های تجارتی خویش را در خرید مواد خام ترجیح می دهد، اما چین احساس می کند چنین سیاستی در افغانستان با ریسک های زیادی همراه است.

مهمترین ریسک سرمایه گذاری چین در افغانستان امنیت است، چین از افزایش خشونت و جنگ در افغانستان نگرانی دارد، هم اکنون دو انجینر چینی که در شاهراه قیصار-المار در فاریاب کار می کردند توسط طالبان اختطاف شده و حدود دو ماه است که در اسارت این گروه به سر می برند.

فساد اداری و قوانین دست و پا گیر سرمایه گذارای در افغانستان، ناراحتی سرمایه گذاران چینی به میان آورده است که می تواند دلسردی آن ها را سبب گردد.

رابطهٔ تنش آلود چین و امریکا و پیوندهای استراتیژیک آن کشور با پاکستان، می تواند تأثیرات منفی در سرمایه گذاری چین در افغانستان و توسعهٔ بیشتر روابط دو کشور به جا بگذارد.

ضعف دولت آقای کرزی در جلب سرمایه گذارای خارجی، چالش دیگر علاقمندی دولت افغانستان برای جلب سرمایه گذاری چینی ها است، با آن که دولت افغانستان چندین بار تقاضای ساخت راه واخان را با رهبران چینی درمیان گذاشته است، اما تا کنون نتوانسته یک طرح ابتدائی منسجم در این زمینه به چین و دیگر کمک کنندگان افغانستان ارائه نماید.

سرمایه گذاری در عرصهٔ زراعت و تولید انرژی نیز مواردی است که هیچ طرح تا کنون دولت افغانستان در این زمینه ارائه نکرده است.

هدف های سیاسی این سفر:

آقای کرزی افزون بر اهداف اقتصادی، در پی کسب امتیازات سیاسی از سفر چین نیز می باشد، استفاده از نفوذ چین بر پاکستان جهت اعمال فشار بر آن کشور برای همکاری در مبارزه با تروریزم یکی از اهداف سیاسی آقای کرزی در این سفر می باشد. اما چین به هیچ وجه آماده نیست رابطهٔ استراتیژیک خویش با پاکستان را با بهای توسعهٔ رابطه با افغانستان به خطر بیندازد، چین نیز با استراتیژی پاکستان جهت استفاده از گروه های تندرو در برابر رقیب منطقه ای مشترک دو کشور یعنی هند بی علاقه نبوده هیچگاه نابودی این گروه ها را به عنوان یک اولویت استراتژیک خویش در نظر نگرفته است.

ایجاد نوعی توازن در افغانستان و استفاده از نفوذ بین المللی و منطقه ای چین در برابر تأثیر گذاری های امریکا و کشورهای ناتو در کشور، استراتیژی آقای کرزی است که هنگام انتخابات آن را با جدیت پیگیری می نمود و سفر کرزی به چین در جریان تنش های سیاسی پس از انتخابات برنامه ریزی گردید، اما به نظر می رسد جو سیاسی دوران انتخابات تخفیف یافته و آقای کرزی مانند گذشته خود را تحت فشار امریکا و دیگر کشورهای خارجی احساس نمی کند و از جانب دیگر چین نیز عوامل آن تأثیر گذاری را که بتواند چنین توازنی را در افغانستان ایجاد کند در اختیار ندارد.

مناظرهٔ تلویزیون یک و طرفه رفتن سخنگوی رئیس حکومت

فیض

در مناظرهٔ تحت عنوان (مناظرهٔ کابل) که شب چهارشنبهٔ ۳حمل از تلویزیون یک پخش شد، در تالار گروهی از مردم دعوت شده بودند که گاهی سوال ها و پیشنهادهای را مطرح می کردند. از سخنان مهمانان دانسته می شد که آن ها دو گروه بودند یکی طرفدار حکومت و دیگری اپوزیسیون. وقتی از وحید عمر سخنگوی رئیس جمهور سوال شد که، زمانی رئیس جمهور کرزی ادعا کرد که طالبان را هلیکوپتر های خارجی به شمال انتقال می دهد، این خارجی ها کی بودند و قضیه چگونه بوده؟ آقای عمر در آغاز سعی کرد از پاسخ به چنین پرسش شانه خالی کند اما در ادامه ناگزیر شد که بگوید، تحقیقات روی این گزارش ها ادامه دارد.

در حالی که این بحث ها حدود شش ماه قبل مطرح شد که چرخ بال های نامعلومی افراد طالبان را، به ولایات قندز، بغلان، سمنگان، جوزجان و فاریاب انتقال می دهند. این موضوع را رئیس جمهور حامد کرزی نیز در کنفرانس مطبوعاتی، در حالی که در چهره اش ناراحتی دیده می شد، به خبرنگاران گفته بود که چنین اطلاعاتی را از سوی نیروهای امنیتی دریافت کرده است و روی آن تحقیقات ادامه دارد. بعد نورالحق علومی رئیس کمیسیون امنیت در ولسی جرگه تأیید کرد که چرخ بال های نامعلومی دست به چنین کاری می زنند. فرمانده پولیس ولایت بغلان نیز ادعا کرد که چرخ بال های خارجی در انتقال طالبان به شمال کشور نقش دارند. او مدعی هم شده بود که این مسأله را به دولت مرکزی در کابل خبرداده است. همچنان والی فاریاب در نشستی مدعی شده بود که به تاریخ ۲۷ میزان برایش احوال رسیده که چرخ بالی افراد لنگی دار را در نزدیکی شهر اندخوی پیاده کرده است.

اما این که پس از گذشت شش ماه دولت و سخنگویان آن ادعا دارند که هنوز هم مشغول مطالعه و تحقیق در این مورد می باشند و تا هنوز به هیچ نتیجهٔ دست نیافته اند انسان را به یاد حکایتی می اندازد، در زمان داوودخان یک هواپیمایی پاکستانی در ساحهٔ مرزی کشور نمایان شد فرماندهٔ مرزی چون اجازه نداشت بالای آن فیر نماید، خواهان اذن مقامات شد این درخواست در مراجع و ادارات مختلف افغانستان پروسهٔ طولانی را طی کرد و مدت چهل روز را دربر گرفت و پس از آن به فرماندهٔ مرزی هدایت داده شد تا هواپیما را بزند.

آقای رئیس جمهور افغانستان هم در کارزار انتخابات ریاست جمهوری وعده کرد که برای اخبار انتقال طالبان به شمال تحقیقات انجام می دهد، اما پس از گذشت شش ماه بازهم سخنگوی ایشان می گوید که روی این موضوع تحقیقات ادامه دارد.

بهار، فصل بالندگی

ثامر



همه فصل های سال، خوبی ها و زیبایی های خاصی دارند. که در زمان خویش مفید و ضروری است. اما فصل بهار، فصل شادابی و طراوت و بالندگی و رویش، است. در این فصل انسان ها کار می کنند و در سرسبزی و شادابی بهار و طبیعت سهم می گیرند.

گیاهان و درختان، سهمی به سزا و نقشی ارزنده برای زندگی بشر دارند. فصل بهار، فصلی است. گیاهان و درختان می رویند و بالنده می شوند و طبیعت را زنده و سبز و شاداب می سازند.

بر هموطنان است تا به خاطر داشتن محیط زیست سالم که بدون شک اثرات آن در روح و روان و تربیت و تعلیم اهمیت بسزایی دارد، کوشا باشند و هرچه زمین که در اختیار دارند سرسبز نمایند تا از یک طرف حاصلی از آن بردارند و از جانبی، در شگوفایی و زیبایی محیط بیفزایند.

یکی از کارهای مهمی که در بهار باید بکنیم نهال شانی است با نهال شاندن کار ما تمام نمی شود، آنچه که مهمتر و اساسی تر به نظر می رسد نگهداری و حفاظت آن است. دیده می شود که دولت هم، همه ساله برای نهال شانی مبادرت می ورزد و کمپاین نهال شانی را در اوایل فصل بهار تبلیغ می کند. اما در نگهداری آن توجۀ چندانی نمی شود، نهال ها را آب نمی دهند، حفاظت درست نمی شود، این نهال ها خشک می شود و به موجودی مزاحمی تبدیل می گردد و به قول شیخ سعدی:

"آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار
هرگیاهی که به نوروز نجنبد حطب است"

نکته یی مهم دیگر که به آن توجه شود این است که، خانواده ها و نهادهای تعلیمی باید به کودکان و نوجوانان ضرورت نگهداری نهال ها را چه در خانه و مکتب و مکان های تفریحی و جوار سرک ها، تفهیم نمایند که این شاخه های نو قامت بر افراخته را نشکنانند و در حفاظت آن بکوشند.

آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه‌ها و به طور کل طبیعت و محیط زیست، نقش بزرگی در زندگی انسان و حیوان دارند، که با داشتن محیط سالم و آب و هوای تازه، انسان شاد می شود و این شادمانی باعث سالم بودن انسان می گردد و باعث رشد استعداد و شگوفایی و توسعه و پیشرفت خود و کشور می شود.

سلامت محیط زیست بر لیاقت‌های فردی نیز اثر می‌گذارد. ما شاهد هستیم در عرصۀ تعلیم و تحصیل اگر نظر بیفگنیم، به وضوح دیده می شود، اکثر شاگردانی که در اطراف و اکناف و دارای محیط زیبا و خُرم و آب و هوای خوب زندگی می کنند، از استعداد خوبی نسبت به شهرنشینان برخوردار اند.

دیده می شود که از زمین های شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیانباری بر تربیت انسان دارد. بادها و نسیم های بهاری و نیز آب و هوای مناطق گوناگون بر جسم و جان انسان دارای تأثیرهای متفاوتی هستند. باد خزان بدن را پژمرده و بر عکس نسیم دلنواز بهاری روح افزاست.

ابن سینا معتقد است که "ساکنان مناطق سردسیر، نیرومند و از جرئت بیشتری برخوردارند." این گفته نیز می رساند که، آب و هوا در رشد و استعداد انسان ها نقش عمده را دارد.

در این زمان که به دلایل مختلف از جمله بی توجهی دولت، محیط شهر ما بسیار آلوده و کثیف و غیر صحی شده و خطر بزرگ بر سلامتی ما ایجاد نموده است برهمگان لازم و ضروری است تا سعی کنیم که محیط خود را سرسبز سازیم و از آلودگی نجات دهیم و در نگهداری نهال و درخت و گُل و سبزه زارها، همه اقشار جامعه سهیم باشیم.

در بهار ما باید در پهلوی شاداب ساختن طبیعت و محیط زیست باید به شادابی جامعه و زندگی باهمی خویش نیز توجه کنیم و همچنانکه باید طبیعت ما سالم و شاداب و سرسبز باشدجامعۀ ما نیز شاداب و سالم و زیبا باشد و در بهار طبیعت ما باید نهال دوستی و اتحاد در جامعه بکاریم. به گفتۀ حضرت حافظ درخت دوستی بنشانیم و نهال دشمنی را برکنیم.

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

وجود تمدن خراسان ـ پارس در سرزمین های عرب

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

پیوند تاریخی خراسان و اعراب از دورۀ جاهلی عرب آغاز می یابد. وجود امپراتوری بزرگ فارس موجبات تأثیر پذیری زبانی، ادبی و فرهنگی را میان اعراب و پارس فراهم نموده است. طوری که اعراب از این تمدن و استفاده از آن بی نصیب نبودند و آنچه در زندگی مدنی اعراب، بدان نیاز داشتند از آن استفاده نمودند. وقتی به واژه هایی فارسی معرب در دورۀ جاهلی و صدر اسلام دقت صورت گیرد. دیده می شود که اعراب از اهل فارس و خراسان، نام های خوراک، گل ها، نباتات، لباس، جواهر، عطریات، وسائل ساختمانی، رنگ ها، ظروف، وسایل خانه، آلات موسیقی، نام های طبی، ادویه، اسلحه، اشیاء و لوازم نویسندگی، نام های مناصب و اداره را از این سرزمین به عاریت گرفته اند. وقتی به واژه هایی که ثعالبی آن را مخصوص فرس می خواند و عرب آن را معرب نموده و یا شیوۀ تلفظ آن را تغییر داده اند، دقت گردد، به خوبی فهمیده می شود که این واژه ها نمایندگی از یک زندگی مدنی می نماید، مانند:

نام های مربوط به ظروف و وسائل منزل: الکوز، الابریق، الطست (طشت)، القصعه (کاسه).

نام های مربوط به لباس و زینت، مانند: الدیباج (معرب دیبا)، التاختیج، الراختیج، القاقم، الخز

نام های مربوط به جواهر: الفیروزج (فیروزه)، الزبرجد، البیجاذ (بیجاده).

نام های مربوط به نان: السمیند، الدرمک، الجردق، الجمازج، العکک (مانند کیک)

نام های مربوط به انواع طعام و غذا: السکباج، الدوغباج، الاسبیداج، الطباهج و الخامیز و...

نام های مربوط به شیرینی و حلوا: الفاذج، الجوزینج، اللوزینج و...

نام های مربوط به مشروبات: الجلاب، السکنجبین، الخلنجبین و...

نام های مربوط به ریاحین: البنفسج، الخیری، السوسن، المرزنجوش، الیاسمین، الجلنار و...

نام های مربوط به خوشبویی: المسک، العنبر، الصندل، القرنفل و...

یکی از تأثیر گذاری بزرگ نام گذاری، بعضی از نام ها، در دورۀ جاهلیت است، که کلمات فارسی دری را بعد از تعریب بالای فرزندان خویش گذاشته اند. طوری که لقیط بن زراره جاهلی نام دختر خود "دختنوس" را به نام دختر کسری "دختنوش" گذاشت.

به همین ترتیب قیس بن مسعود نام پسر خود را "بسطام" که برگرفته از نام یکی از ملوک فارس بوده است، گذاشته است که اصل نام آن "اوستام" بوده است. نعمان بن منذر به نام "اباقابوس" مسما بوده، در حالی که قابوس معرب کاووس فارسی است و نابغه ذبیانی، نیز این واژه را در شعر خود، به کار برده است. در اشعار اصحاب معلقات سبع، به واژه هایی بر می خوریم که فارسی می باشد. امرئ القیس شاعر دورۀ جاهلی عرب، واژه "هیربذ" را زیاد به کار برده است. هیربذ همان هیربد فارسی است که زبان شناسان عرب، آن را حارس النار تفسیر نموده اند. این کله در کتاب اوستا به مفهوم معلم و استاد زردشتی، به کار رفته است. عمرو بن کلثوم واژۀ "تاج" فارسی را در شعر خود به کار برده، این واژه که در پهلوی تاز، در زبان عربی به باب تفعیل انتقال یافته که از آن توج، یتوّج ساخته اند. به قول جاحظ، بعضی از واژه های فارسی از قدیم درمیان اعراب رائج گردیده است. مردم بصره عوض کلمۀ "البطیخ" واژۀ "الخربز" و عوض واژۀ المسحاۀ، واژۀ "بال" فارسی دری را در محاورۀ روزانۀ خود به کار می بردند و به همین گونه چهارراه را مربع و اهل کوفه آن را "الجهارسو" و مردم کوفه از دیر زمان، بدیتسو واژۀ سوق و سویقه را بازار و وازار و واژه های رودق معرب "روده" و واژۀ شطرنج را به شکل "الاشترنج" به کار می بردند.

لخمیئی ها در سرزمین های حیره که یک فرسخ از کوفه فاصله داشت، حکومت می نمودند در ابیات شاعران این دوره، واژه های زیادی فارسی دری را دیده می توانیم. از جمله اعشی، میمون بن قیس، واژه های گلستان، بنفشه، سوسنبر، مرزنگوش، شاه اسپرم، یاسمین، نرگس، آس و خیری را در اشعار خود، به کار برده است. از کاربرد این واژه ها در شعر اعشی معلوم می گردد که او مجذوب زندگی خراسانی ها بوده است.

علت فراوانی کلمات فارسی در اشعار او را می توان در اقامت این شاعر در دربار سلاطین فارسی و آشنایی اش با زندگی فارسی ها و خراسانی ها ذکر کرد.

عرب ها واژۀ لاعب الصنج را همواره به کار برده اند صنج معرب "چنگ، فارسی است و اعشی این واژه را نیز به کار برده است. منوچهری دامغانی، در یکی از قصاید خود چنین می گوید:

ز زیر و بم اعشی قیس
زننده همی زد به مضراب ها
و کأس شربت علی لذۀ
و اخریٰ تداویت منها بها

"وگیلاسی را با لذت نوشیدم، و گیلاسی دیگر را برای ازدیاد خمار توشیدم تا از ناراحتی نجات یابم".

منوچهری در بیت اول به زیر و بم در شعر اعشی اشاره می کند و بیت مشهور آن را ذکر می کند. بین شهر حیره و فارس، آمد و شد فراوان وجود داشته است. این شهر نظر به موقعیت ویژه یی که داشت، به صورت یک بازار بزرگ تجارتی در آمده بود، که موجب تماس نزدیک اعراب و فارسی گردیده است. کاروان های ابوسفیان که متاع تجاری را که به پارس حمل می نمود می بایست، از حیره بگذرد. برخی از همراهان این کاروان ها، داستان های شاهان پارس باستان و پهلوانان حماسه های ملی را آموخته بودند.

بی مورد نیست که در شهر حیره اساطیر و داستان های خراسانی، نفوذ زیاد نسبت به دیگر شهرهای عربی نشین داشته است. طوری که بن هشام در کتاب خود موسوم به "سیره النبی(ص)" ذکر می نماید، که نضر بن حارث از جملۀ شیاطین و سرکشان قریش بود و همواره با رسول اکرم "ص" دشمنی و عداوت می ورزید، نضر بن حارث این نقّال قریش در این آمد و شدها، بین حیره و فارس، سخنان، وجیزه ها و لطایف ملوک فرس، خراسان و سخنان رستم و اسفندیار را فرا گرفته بود، وقتی رسول اکرم "ص" مجلس می آراست و پیام وحی را به مردم ارشاد می نمود، تا مردم را از سرکشی و طغیان در برابر امر خدا برحذر سازد، بن حارث نیز قریش را دور خود جمع می کرد و چنین ادعا می کرد گویا نسبت به رسول اکرم"ص" سخنان طرفه را می داند و در تأیید اندیشه های سخیف خود، سخنان، ملوک عجم، رستم و اسفندیار را به مردم می خواند و می گفت: چگونه پیامبر اسلام نسبت به من در صحت و سقم سخن برتری دارد؟ وقتی به آثار شاعران عهد جاهلیت از قبیل: امرئ القیس، طرفه، لبید، اعشی، اوس به حجر و دیگران دقت صورت گیرد در آن کلمات متعدد فارسی دیده می شود. ورود این واژه ها در زبان عربی، تصادفی نیست، باید علل مهم این انتقال را در نفوذ تدریجی کلمات فارسی دری پیش از اسلام جستجو کرد.

مسأله این است که اگر این لغات برای مردم آن دوران قابل فهم نبود شاعران عرب نمی توانستند، آنها را در اشعار خود به کار برند.

باید زمانی زیاد گذشته باشد، تا این واژه ها درمیان مردم متداول و مرسوم شده باشد. در زمان حیات پیامبر اسلام، دیگر این کلمات عربی محسوب می شد و لذا این واژه ها حتا در کلام وحی راه یافتند: مثل سجیل، سراج،

مقالید و....

از زمان جاهلی تا دورۀ فتح، طوری که دیده میشود، بالنسبه زندگی مسالمت آمیز میان اعراب و فرس قدیم وجود داشته است که این کار منتج به ازدواج ها میان اعراب و فرس گردیده است که خود زمینه ساز، داد و ستد فرهنگی، میان این دو زبان گردیده است. در اثر این داد و ستدها، بازاریان چیزهای نوی را از همدیگر فراگرفته و آن را به کار می بستند. این عوامل همه یکجا شده و شرایط آن را فراهم نموده است تا واژه های زیادی از زبان ما به زبان عربی رسوب نماید.

نام واژه های داخل متن:

الکوز: کوزه

الابریق: معرف ـ آبریز ـ کوزۀ دسته دار، ظرف سفالین برای شراب. کوزۀ آب

الدیباج: معرب دیبا

التاختج، الراختج: رخت و لباس

القاقم: حیوانی است که از پوست آن لباس درست می کردند قاقم را از جهت پوشش شکار می کردند

الخز: حیوانی که دارای پوست گرانبها می باشد.

جوهر: معرب گوهر

الفیروزج: (فیروزه)، الزبرجد، البیجاذ: (بیجاده) بیجاده، نوعی از احجار کریمه

مسک: معرب مشک ـ واژۀ هندی است، اما از طریق زبان فارسی دری داخل زبان عربی شده است.

السمید، الدرمک، الجردق، الجمازج، العکک (مانند کیک): این نان ها عمدتاً از روغن و آرد ساخته می شده است.

السکباج، الدوغباج، الاسبیداج: سپید، سفید، غذایی که رنگ سفید داشته باشد

الطباهج: گوشت پخته نرم و نازک

الخامیز: سرشیر

الفاذج: فالوده، الجوزینج: نوعی خورکه،

اللوزینج: نوعی خورکه

الجلاب: گلاب، السکنجبین: شربتی که از سرکه و انگبین با شکر و قند سازند، الخلنجبین: شربتی که در ترکیب آن سرکه و انگبین وجود داشته باشد

البنفسج: بنفشه،

الجلنار: گلنار

صندل: چوب خوشبوی هندی است، اما از طریق زبان فارسی دری داخل زبان عربی شده است.

په ننګرهار کې هم د يو ډله ايز قبر موندنه

رفيق بحر

د دې ډله ايز قبر او هم د نورو پيدا شوو ډله ايزو قبرونو په هکله بايد د افغانستان دولت او په ځانګړې توګه د بشر د حقوقو خپلواک کميسيون پې پرې او ريښتينې څېړنې وکړي او مجرمين يې که څه هم ډيرى يې اوس ژوندي ونه اوسي، محاکمه او مجرم اعلان کړي او په دې کشف شوو ځايونو کې بايد يادګاري ځلي ودروي

په دې وروستيو کې د پژواک خبري اژانس د يو خبر له مخې په ننګرهار کې د يو داسې ډله ايز قبر د پيدا کيدو خبر له رسنيو خپور شو چې ويل کيږي له زرو څخه زياتو جسدونو باندې مشتمل دى.

دغه ډله ايز قبر چې د معلوماتو له مخې د نجم الجهاد فاميلى په جنوبي برخه کې پيدا شوى دى په دغه ولايت کې د لومړي ځل لپاره د دومره ستر قبر پيدا کېدل دي ځکه له کشف شوي قبر سره د نږدې اوسيدونکو د ويناوو له مخې داسې معلوميږي چې له زرو څخه تر ديارلس سوو پورې د مړو اجساد په کې معلوميږي.

که څه هم دغه خبر د يوې باورې سرچينې له لورې تر اوسه ندى تصديق شوى او يوازې د پژواک خبري اژانس خبر په بنياد نږدې تولو رسنيو خپور کړيدى، خو د موضوع د اهميت له مخې د ننګرهار د والي ګل آغا شيرزي د وياند عبدالزي سره مې د تيليفوني اړيکې له لياره دغه معلومات تر لاسه شو چې والي د موضوع د څېړنې او له نږدې څخه يې د سيمې د پلټنې لپاره يو متخصص پلاوى تاکلى دى خو جوته شي چې په دې سيمه کې پيدا شوې د مړو کوېرى او اجساد د کومې دورې پورې تعلق لري او دقيقه شميره يې څومره ته رسيږي؟ چې په دې لړ کې د تاکلي شوى پلاوې لخوا لابشپړې پلټنې ندي ترسره شوي او يوازې دومره معلومه شوې ده چې دا يوې غونډۍ ته څېرمه منطقه ده او د مولوى خالص فاميلى (نجم الجهاد) په جنوبي برخه کې چې د حاجي دين محمد کوځې په نوم يادېږي .واقع ده.

دا چې په دې ډله ايز قبر کې پيدا شوي اجساد څومره او د کومې دورې بريښي؟ په هکله يې په دقيقه توګه څرګندوني له وخت څخه مخکې خبره ده، خو تر دا مهاله چې د هېواد په مختلفو ولايتونو او برخو کې دا ډول کوم ډله ايز قبرونه پيدا شوي دي؛ لکه په بدخشان، کنړ، باميان او د کابل په شمال کې په حسين کوټ فرقه او چمتله دښته کې او هم په جنوب کې يې د پلچرخي او پوليګون په سيمو کې په مختلفو ځايونو کې او همدارنګه په شمال کې د ليلي په دښته او ځينو نورو ولايتونو کې په دې ډله ايزو قبرونو کې ډيرى يې د کمونستي رژيم د دورې پورې تړاؤ لري چې د دغه ظالم او وحشي رژيم واکمنانو په اصل کې له انساني عاطفې څخه د خلاصون په بنياد د هېواد په ګوټ ګوټ کې زمونږ ګن شمېر هېوادوال په ډېره بې رحمانه او وحشيانه توګه شهيدان کړيدى.

کمونستانو خپله دغه کړنلاره د پلچرخي په سيمه کې د سردارمحمد داؤود د کورنۍ د غړو او بيا وريسې د پخواني رژيم د مخکښانو او مسؤولينو لکه شهيد محمد موسى شفيق، استاد وفي الله سميعي او داسې نورو لومړى د شهيدولو ا و بيا په همدغه سيمه کې له ښخولو څخه پيل کړه چې دا ډول ګڼې انساني غونى بوګنوونکي پېښې يې ترسره کړې لکه د کنړ ولايت په "کرهاله" سيمه کې ديوه کلي په لسګونو عامو وګړو وژنه او دې ورته عامې وژنې په بدخشان، لغمان، هرات، باميان، بغلان، ننګرهار او په خپله پلازمينه "کابل" کې ترسره کړي دي.

په ننګرهار ولايت کې دغه ډول قبر هم ښايي د همدې لړۍ يوه کړۍ وي ځکه دغه ظالم او وحشي رژيم په خپل وخت کې په هر ولايت کې داسې عامې بې رحمانه وژنې ترسره کړي او په ډله ايز توګه قبرونه يې جوړ کړي دي. دغه سيمه فعلاً د نجم الجهاد د فاميلي ده چې د ننګرهار ولايت د مشهورې مدرسې نجم المدارس څخه په دوه درې کيلومترۍ کې واقع ده او د کمونستي رژيم په لومړي کال له همدې مدرسې څخه هم په لسګونو ديني طالبان او هم له دې او نورو سيمو څخه ګڼ علماء او ديني مخوران د وخت د رژيم لخوا د شپې او ورځې لخوا نيول کېدل چې د ډېرو يې بيا د مرګ او ژوند هيڅ پته ونه لګيده.

د دې ډله ايز قبر او هم د نورو پيدا شوو ډله ايزو قبرونو په هکله بايد د افغانستان دولت او په ځانګړې توګه د بشر د حقوقو خپلواک کميسيون بې پرې او ريښتينې څېړنې وکړي او مجرمين يې که څه هم ډيرى يې اوس ژوندي ونه اوسي، محاکمه او مجرم اعلان کړي او په دې کشف شوو ځايونو کې بايد يادګاري ځلي ودروي.

د ننګرهار ولايت والي ګل آغاشيرزى دې بايد هم په دې هکله خپل وظيفوي رسالت ترسره کړي او ژر تر ژره دې په دې باره کې تاکلي شوي پلاوي څخه معلومات بشپړ کړي او حقيقت دې په ډاګه کړي.

تهاجم قانون غرب در کشور های اسلامی

پوهنمل سيد عنايت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

عوامل خارجی

عوامل خارجی که شریعت اسلامی را در کشورهای اسلامی از عرصهٔ تطبیق بدور ساخت همان وسایلی اند که دولت های استعماری غربی در راستای تحقق اهداف و منافع گوناگون خویش از آن ها استفاده نمودند، منافع و مصالحی که نمی توان آن ها را از جریانات و حوادث پرشتابی که در قرن های یازده و دوازده میلادی ــ چه در اروپا و چه در جهان اسلام بوقوع پیوست ـ جدا تصور کرد.

آری! در همان وقتی که جهان اسلام علی رغم ظهور دولت نیرومندــ چون دولت عثمانی ـ که توانست با حضور فعال خویش در عرصهٔ جهانی، عظمت دولت اسلامی را بازگرداند، شاهد عقب گرد تمدنی خود بوده و با قهرمانی ها و حماسه آفرینی های مجاهدین و رزمندگانی سر و کار داشت که شعلهٔ فروزان جهاد در راه برتری کلمهٔ خدا در دل ها شان، زبانه می کشید، بدون این که اندیشه ای پیرامون تداوم این روشنائی از طریق وسائل همگام با تحولات زمانی و مکانی می نماید.

این وضع جهان اسلام مقارن زمانی است که قارهٔ اروپا به ویژه غربی آن، شاهد جریانات و حوادث پرشتاب اجتماعی و فکری بس مهمی بود که توانست میراث اجتماعی و فکری قرون وسطی را درهم کوبد و افکار و مبادی نوی جاگزین آن ها شود. این جریان پیامد عوامل زیادی می باشد که برخی داخلی و برخی هم خارجی اند.

این عوامل خود حلقه های زنجیرهٔ را تشکیل می دهند که آثار عمیقی را در تأریخ انسان از خود به جا گذاشته و تأریخ نگاران از آن به نام «نهضت» (رنسانس) یاد می کنند.

این نهضت خود مجموعهٔ بود از تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری که در اواخر سده های میانه و به صورت اخص از قرن یازده تا قرن شانزده وارد زندگی اروپا گردید. (۱)

ارتباط اروپا با شرق اسلامی در درخشش این عوامل و رویش این نهضت علمی و ادبی که در پایان قرن سیزده در اوج خود رسیده بود، اثر بزرگی از خود به جا گذاشت. (۲)

در همین وقت است که اروپائیان از دست آوردهای علمی و معرفتی مسلمانان آگاهی یافتند، و طالبان علم از اکناف مختلف اروپا، دامن بر زده و وارد اندلس همین آسپانیای امروز گردیدند تا علم بیاموزند و ترجمه کنند و از تمدن اسلامی اقتباس نمایند، پیرامون ابن سینا، ابن رشد، رازی، خوارزمی وسائر فلاسفه و علماء مسلمین مطالعه نموده و کتاب های آن ها را به زبان لاتینی ترجمه کردند.(۳)

همین گونه به تعقیب جنگ های صلیبی، تجارت با شرق و جهان اسلام در قرن یازده به حرکت افتیده و ایتالوی ها بنا به برخورداری از موقعیتی که در بحیرهٔ مدیترانه داشتند، نقش بارزی را در این میدان بازی نمودند، ایتالیایی ها در نقش وسیله های ارتباط بین شرق و غرب اروپا کار نموده و کالاهای شرقی مورد نیاز اروپا را از بلاد عربی و هند و چین وارد اروپا کردند همان گونه امتعهٔ اروپائی مورد نیاز بازارهای شرق را وارد این بازارها کردند.

بدین ترتیب ثروت در دست آن ها قرار گرفته و شهرهای ثروتمندی به ظهور پیوستند که توانستند کشتی های تجارتی را ایجاد نمایند. چنان کشتی های بحر پیمایی که دور ترین بحرها را بعد از کشف جهان جدید یعنی امریکا و راه «دماغهٔ امید نیک» طی نمودند.(۴)

این گونه کاروبار موجب گردید که راه های تجارتی، عقد معاهدات، ایجاد بانک ها در محراق توجه قرار گیرد، تا از طریق آن ها در عقد قرار دادها در میان کشورهای مختلف و حل مشکل معامله با پول های مختلف استفاده به عمل آید.

در این وقت است که سرمایه ها تراکم نموده و طبقهٔ متوسطی رونما شد که سرمایهٔ آن ها از طریق بهره برداری از آن ها در پروژه های مختلف سودآور رو به فزونی گذاشت و حاکمیت خود را از این طریق در تولید و مبادلات تجارتی تحکیم بخشیده و قدرت اقتصادی از اتحادیه های پیشه وری به این طبقهٔ متوسط انتقال یافت و اوضاع اقتصادی اروپا با رشد این طبقه فربه گردید.

این گسترش تجارت، انکشاف شهرها، رو به فزونی نهادن رفاه و آسودگی منجر به آن شد که توانگران آثار تاریخی، هنری و کار کردهای هنرمندان را خریداری نموده و مخطوطات را جمع آوری نمایند، کتابخانه ها تأسیس گردید و دروازهٔ دانشگاه ها به روی همه مردم گشوده شد و فرهنگ و دانش پخش و گسترش یافت.

پژوهش گران و محققان میراث باستانی یونان و روم را از طریق جمع آوری مخطوطات و مطالعهٔ آن ها در محراق توجه خویش قرار دادند.(۵)

این حرکت به نام حرکت انسانگرایی یاد گردیده و اختراع چاپ در قرن پانزده نقش بزرگی را در گسترش حرکت در میان اصناف مختلف مردم، از طریق کثرت کتاب های چاپی و ارزانی آن ها، بازی کرد.(۶)

در همین زمان است که روح جدیدی به ظهور می پیوندد که همانا روح تمایل به آزادی فکری بوده و شخصیت فرد که قبلاً در جامه جمع پنهان بود سر بلند می کند.

پیامدهای این تمایل جدید فرد گرایی همانا، ظهور دو پدیدهٔ مهمی است که در مجموع حیات اروپائی و حتی انسانی، تأثیر بزرگی از خود بجا می گذارد که یکی سیاسی و دومی هم دینی است.

گرایش نخست در دعوت به حاکمیت مطلق شاهان به منظور جمع گلیم ملوک الطوائفی و گرد آوردی آنان در زیر چتر دولتی به نمایش در آمد که قدرت تأمین امنیت و نظام و آزادی انسان را از تابعیت زمین مالک داشته باشد.

علمبرداران این طرز تفکر را اندیشمندانی چون «ماکیاولی» و «بدن» در ایتالیا، بوسیه در فرانسه و هابز در انگلستان تشکیل می دادند که علی رغم اختلاف دید شناسی شان پیرامون حاکیمت، به این نتیجه رسیده بودند که باید قدرت سیاسی در دست شاهی باشد مستقل که تابع هیچکس نبوده و از قوانین وضع شده توسط مردم آزاد و منبعی باشد برای قانون در همه مناطق و شهرها.

بدون تردید رویش این موج فکری تأثیر بزرگی در ظهور حکومت های مطلقهٔ شاهی در فرانسه، انگلستان و اسپانیا از خود به جا گذاشت.(۷)

. گرایش دوم هم همان جنبش اصلاح دینی است که در قرن شانزده در اروپا رونما گردید وفشار کلیسا و توجه پاپ ها به مظاهر زندگی دنیوی و حیله بازی های متضاد با مبادی دینی- چون وضع مالیه ها بالای شهروندان و فروش چک های مغفرت، منجر به آن گردید که مردم در برابر رجال دینی به مخالفت برخیزند، موضعی که جنبش اصلاحی یا استفاده از آن قدرت پاپ را مورد تهاجم قرار دادند و مارتین لوتر طلایه دار این حرکت بود منجر به ظهور مذهب پروتستان گردید.(۸)

این نتائج و امثال آن ها با ظهور دو حادثهٔ مهم به درخشش در آمد که تأثیر بزرگی در حیات اروپا و جهان به جا گذاشت دو حادثه ای که در انقلاب صنعتی ۱۷۷۰-۱۸۳۰انگلستان و انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه به تنایش در آمدند.

این تمدن جدید اروپا اگر برخی اصول تمدنی مربوط چون آزادی، حاکیمت، میهن گرایی و نشنلیزم را از انقلاب فرانسه به حیث هدف سیاسی، اجتماعی و فکری در اروپا واکناف جهان بدست آورد، همین تمدن جدید اروپا با طبیعت و ماهیت ممتاز خویش مدیون انقلاب صنعتی است که جوامع کشاورزی را به جوامع صنعتی تبدیل کرد.(۹)

ظهور ماشین آلات به حیث اثر مرتب بر این انقلاب به ازدیاد تولید افزون برنیاز محلی گردیده و باعث بر آن شد که تجارت خارجی به راه افتد تا تولیدات مازاد را به فروش برساند و مواد اولی را به دست آرد.

این تجارت خارجی باعث شد که ثروت فزونی یابد و شرکت های تجارتی تأسیس شوند و دولت ها برای به دست آوردن بازارهای تجارتی به رقابت بپردازند.

مراجع
۱- د. محمد. محمد صالح / تأریخ اروپا من عصر النهضه حتی الثوره الفرنسیه طبع بغداد۱۹۸۱/ صـ۱۵
۲- د.جمال الدین شیال/ التاریخ الإسلامی و اثره فی الفکر التاریخی الاروبی/ بیروت ۱۹۶۹/ صـ۱۶
۳- د.عبدالرحمن بدوی/ دورالعرب فی تکوین الفکرالاروبی/ طبع۱۹۶۹/ مکتبه الانجلوا المصریه/ صـ۱۱
۴- د.حسن صبحی/ محاضرات فی التأریخ الاروبی الحدیث/ طبع ۱۹۷۵/ المؤسسهٔ الشاب المصریه/ صـ۶۳
۵- د.کمال مطهر/ طبع الهقنه/ صـ۲۶
۶- همین مرجع ص۳۸-۳۹
۷- د.محمد طه بدوی/ امهات الافکار السیاسیه الحدیثه/ دارالمعارف مصر ۱۹۵۸/ ص۱۶

په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د نوي استازي "دي میستورا" د پاملرنې وړ

راتلونکې پارلماني ټاکنې او دولس هيلې

ناصر شفيق

د بن په پرېکړه باندې نهه کلونه تېر شو خو افغان ولس لا تر اوسه په ریښتیني معنا د ولسواکه نظام څښتن شوی نه دی او نه د نړیوالو پریمانو مرستو په نتیجه کې د یو عادي افغان ژوند ښه شوی دی: که په دندو او مسؤولیتونو باندې د ګمارنې په لړ کې د نهو کلونو تجربې ته وګورو نو لیدل کیږي چې د ټاکنو د ترسره کېدو سره سره هم لا تر اوسه کار د کار وړ افغانانو ته نه سپارل کیږي او د قوانینو او ضوابطو پرځای د خپلسریو او روابطو معیارونه حاکم دي. او که د نړیوالو لخوا د افغان ولس سره د هر اړخیزو مرستو د ترسره کېدو جریان ته وګورو نو هلته هم له یوې خوا دغه مرستې د عامو افغانانو پرځای خینو بهرنیو او کورنیو هغه انجوګانو او مؤسساتو په خپلو مینځونو کې داسې هړپ تړپ کړې چې ګویا د یو منظم سازش او مافیا له لیارې د افغانانو په نامه راغلې مرستې دغه بنسټرانو ته په لوی لاس ورکولای کیږي. او هماغه تجربه تکراریږي چې وایي: استعمارونه له یوې خاورې څخه د وتلو پرمهال خپلې په خپلو لاسپوڅو ویشي: په داسې حال کې چې دلته راغلي نړیوال په څو ځله دا تکراروي چې مونږ د افغانستان د بنکېلولو لپاره نه یو راغلي!

او له بلې خوا که د افغانستان حکومت ته د دغو مرستو کومه سلنه ورکولای کیږي نو هلته هم پرځای د دې چې دغه بودیجې په بنیادي پروژو لکه د برېښنا په بندونو او د زراعت لپاره د اوبو په برابرولو. پراخه صنعت او لویو فابریکو ولګیږي چې عامو افغانانو ته په کې کار پیدا شي په داسې بېهوده پروژو او کړونو لکه احصائیو او سروې ګانو او یې کم کتور پروژو لګیږي: چې که هغه له یوې خوا افغان ولس ته بنیادي نه دي نو له بلې خوا اړوند وزارتونو په دې کې هم ونشو کولای چې دغه انکشافي بودیجې په پوره توګه ولګوي. او د هغې بنیادي علت هم دا دی چې دندې او مسؤولیتونه داسې افغانانو ته نه ورکولای کیږي چې د خپلې پوهې، مسلکي وړتیا او دیانت له مخې د دې ظرفیتونه ولري چې دغه بودیجې پرځای او پر وخت ولګوي.

په یو هېواد کې د مقننه قوې ارګان یوازینۍ هغه قوت چې د مجریه قوې کارونه ارزوي او څاري یې. خو له بده مرغه په دې هېواد کې د خپلسرې پانګوال نظام په نتیجه کې د ټاکنو له لیارې ځینې هم هماغه بناغلي پارلمان ته لیاره پیدا کوي چې یې د مخدره توکو نړیوال قاچاقبران دي او یا یې هم د خپلو شتمنیو او درغلیو په برکت داسې سیاسي مافیا حاکمه کړېده چې لاملېږي د ټاکنو قوانین هم د دوی د ګټو خوندي کوونکي جوړیږي: د مثال په توګه: د کاندیدانو لخوا د ضمانت په توګه کېښودل کېدونکی مبلغ دومره لوړوي چې ډېری منسب او وړ کاندیدان یې د خپلو خونو د کاندیدولو پرمهال د ضمانت په توګه د نوم ثبتولو ادارو ته د سپارلو وسه نلري. په داسې حال کې چې د کاندیدانو د زیاتوالي د مخنیوی ښه لاره د کاندیدانو لپاره په مواصفتي شرایطو کې سختوالی راوستل دي: لکه د لوړو زده کړو او ښه شهرت لرل او یې یوه بیانیه و سیمینار ورکول څو له دې لیارې د هغو خلکو مخه ونیول شي چې یوازې د خپلو شتمنیو له لیارې په عام ولس کې ریښې لري او د پوهې بصیرت. دیانت او وړتیا ارزښتونه نلري.

> **باید چې د ملګرو ملتونو لخوا په افغانستان کې نوی ټاکل شوی استازی "دي میستورا" دغه نزاکت درک کړي او د افغانستان د اوسني حکومت د خپلسریو، بې قانونیو، درغلیو او د ضوابطو پرځای د روابطو د پاللو او اداري فساد مخه ونیسي او د غوبې د میاشتې په نهمه نېټه د کرزي حکومت هغه شپږ میاشتې هم پوره کېدونکي دي چې د نړیوالې ټولنې لخواه دغه منتصب ولسمشر ته ورکړل شوي دي!؟**

اوس چې د ټاکنو د قانون له لیارې د مخنیوی نه ممکن دی: ځکه د ټولټاکنو قانون توشیح شو. که څه هم په کې د بدلونونو راوستلو وروسته بیا پارلمان ته وړاندې هم نشو. نو د ملګرو ملتونو سیاسي اداره "یونمه" چې زمونږ په هېواد کې د خدمت موده یې هم یوازې د ۲۰۱۱ میلادي کال د مارچ د میاشتې تر درویشتمې نیټې وړاندې شوې. په دې اړه درونده مسؤولیت لري چې د بن له پرېکړې وروسته په دوهم ځل راتلونکي پارلماني ټاکنې په بشپړه توګه وڅاري او د ټولټاکنو د خپلواکو(!) کمیسیون او هم د شکایتونو د کمیسیون سره د اړیکو له لیارې په دې دواړو ادارو پوره او په ریښتینې توګه نظارت ولري. او د راتلونکو ټولټاکنو آزادي او شفافیت یقیني کړي او نه یوازې دا چې د درغلیو او بې قانونیو مخه ونیسي، بلکې د ترسره کېدو په صورت کې یې عاملینوته د سزا ورکول هم یقیني کړي چې یو عبرت پاتې شي او زمونږ د هېواد راتلونکو پارلمانونو ته د آزادو، سرتاسري او شفافو ټاکنو له لیارې هغه افغانان لاره ومومي چې په ریښتیني توګه یې په ولسونو کې رایې وړې اوسي: او د تېرو ولسمشریزو او د لومړۍ دورې د ولسمشریزو او پارلماني ټاکنو د حشري درغلیو تجربې تکرار نشي. ځکه نړیواله ټولنه چې د افغانانو د هر اړخیزې رغونې په منظور دې هېواد ته راغلي. د مسؤولیت لري چې د انصاف. و په هره برخه کې د ښو دارو د مینځته راوړلو بنیادونه کېښېږدي

و که خدای مکړه د خلکو هم د ولسمشریزو ټاکنو او یې د تېرو ټاکنو تجربې تکرار شي نو لکه چې دا اوس هم نړیواله ټولنه د افغانانو له مهاجرتونو او په نورو هېوادونو کې د پناه غوښتلو له ډېروالي څخه سرټکوي چې د ملګرو ملتونو د کډوالو د لوېې کمشنرۍ د یوې وړاندې مېلې فلمسنګ د ویت له مخې یوازې په تېر کال کې شپږویشت زره او ته سوو افغانانو پناه غوښتې ده چې د ورتېر کال له شمېرې څخه څلرویشت سلنه زیاته ده. بیا به دغه د پناه غوښتنو شمېره څو برابره زیاته شي او د بهرنیو افغانانو به د سیاسي او مخدره توکو د قاچاقبرانو له مافیا څخه په تنګ راتللو سره له هېواد کډه وکړي او د دولت مخالفین به نور هم زیات شي: اوس که یوازې طالبان او اسلامي حزب د دولت مخالفین دي. بیا به دغه د پره نوره هم پراخه شي او هغه روښانفکران او سیاسي مخالفت کوونکي به هم د وسله وال مخالفت په کولو مجبور شي چې اوس د سیاسي مخالفت لاروی ان دي او یې په پارلمان کې د اپوزیسیون څخه یې په مجموع کې د پارلمان په وسیله د احتساب او څارنې له لیارې د حکومت او مجریه قوې د اصلاح او سمون هیله لري: ځکه صبر هم یو حد لري(!) او دا هېواد د ټولو افغانانو شریک کور دی.

نو باید چې د ملګرو ملتونو لخوا په افغانستان کې نوی ټاکل شوی استازی "دي میستورا" دغه نزاکت درک کړي او د افغانستان د اوسني حکومت د خپلسریو. بې قانونیو. درغلیو او د ضوابطو پرځای د روابطو د پاللو او اداري فساد مخه ونیسي او د غوبې د میاشتې په نهمه نېټه د کرزي حکومت هغه شپږ میاشتې هم پوره کېدونکي دي چې د نړیوالې ټولنې لخواه دغه منتصب ولسمشر ته ورکړل شوي دي!؟

نو د افغان ولس سره یوازینی چانس د شفافو ټاکنو له لیارې د ولس د یو ریښتوني استازي و پېژندلو پارلمان مینځته راتګ دی و هغه یوازې په هغه صورت کې ممکن دی چې د راتلونکو ټاکنو شفافیت او بې پرتوب تضمین شي.

دلته یو ټکی بل هم ضروري دی و هغه دا چې د شکایتونو د کمیسیون له تیرې تجربې څخه په ستنه دی سره هغه ځرک ښه د دې کمیسیون غړي نه وسي چې د ولسمشر پلویان و مدافع وکیلان وسي. لکه چې په تیرځل کې دغه حربې هم استعمال شوې. نو اړینه ده چې په افغانستان کې د ملګرو ملتونو نوی استازی خپله دنده په پوره خیرکۍ سره آغاز کړي.

سیاست یهودی سازی دولت اسراییل در قدس شریف

منبع: اسلام آن لاین

ترجمه: مهدی



افتتاح یک معبد یهودی بنام (کنیس الخراب) روز دوشنبه ۲۰۱۰/۳/۱۵ در شهرقدس قدیم، اقدام مهم دولت اسراییل برای تبدیل کردن این شهر به یک شهر یهودی دانسته می شود. یهودی سازی قدس سیاست جدیدی در دولت اسراییل نیست. این سیاست از زمان اشغال شهر قدس در سال ۱۹۶۷ تا کنون ادامه داشته و همواره یکی ازاولویت های مهم اسرائیل بوده است.

از زمان طرح اریبل شارون در سال ۲۰۰۰ برای عقب نشینی یک جانبه ودید گاه وی برای تعیین مرزها حل مسأله قدس و تغییر هویت آن یکی از عمده ترین اولویت های حکومت اسرائیل گردید. در سال های بعدی در نتیجه جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ وجنگ غزه در سال ۲۰۰۸، نظریه خروج یک جانبه و تعیین مرزهای دولت اسرائیل به تعویق افتاد، اما نظریهٔ تعیین سرنوشت قدس ونابودی هویت آن از اهمیت خاصی در نزد رهبران اسرائیلی برخوردار گردید.

این موضوع تلاش های دولت اسرائیل برای یهودی سازی را در تمام بخش های قدس، به ویژه در مسجد اقصی بیشتر ساخت. سراییل تنها در سال ۲۰۰۹ پنج پروژهٔ دیگر حفریات در ساحهٔ مسجد اقصی را آغاز نمود و مجموعه حفریات در ساحه مسجد را به ۲۵ پروژه رساند.

همچنان اسراییل در همان سال در نزدیکی مسجد اقصی دومعبد یهودی را بنام حمام العین در ۱۰۰متری غرب مسجد اقصی و دیگر آن را در منطقه یهودی نشین الشرف افتتاح نمود.

سیاست یهودی سازی شهر قدس فشار زیادی را روی ساکنین این شهر وارد نموده است. اسرائیل اسناد سکونت بیشتر از ۴۰۰۰شهروند مسلمان قدس را باطل نمود که بر اثر آن این تعداد از منازلشان اخراج وحق سکونت را در این شهر از دست دادند. حکومت اسرائیل تلاش کرد تا ۱۵۰۰تن دیگر را از منطقه بنام البستان در جنوب مسجد اقصی وهمچنان صدها تن دیگر را از منطقه الشیخ جراح در شمال شهر، از خانه های شان بیرون راند و این تلاشها برای بیرون راندن مردم از منازل شان همچنان ادامه دارد.

ساخت و ساز شهرک های یهودی نشین بعد از کنفرانس أناپولیس در سال ۲۰۰۷ به ده برابر افزایش یافت، در سال گذشته حکومت اسرائیل تصمیم به ساخت و ساز ۱۲۰۰واحد مسکونی برای یهودیان گرفت که احتمالاً حکومت اسرائیل در سال جاری هم به همین تعداد بناهای مسکونی خواهد ساخت.

در پهلوی شهرک سازی برای یهودیان، حکومت اسرائیل تصمیم گرفته است تا یک شبکهٔ راه آهن را بسازد که از منطقهٔ أدومیم در شرق قدس تا مرکز شهر امتداد یافته و محیط شهر قدیمی و مناطق یهودی نشین "جیلو"، "وهار حوما" و منطقه شهرک نشینی "عتصیون" در جنوب شهر را با هم وصل می کند.

هدف ایجاد این شبکهٔ راه آهن تشویق یهودیان برای اقامت در این شهرک ها می باشد که از مناطق تجارتی و اقتصادی دورتر واقع شده است.

هویت فرهنگی و معماری قدس نیز یکی دیگر از عرصه های سیاست یهودی سازی اسرائیل است. در سال گذشته اسرائیل نام رسمی قدس را به "اورشلیم" تغییر داده است، همچنان نام جاده ها و نواحی شهر قدس و حتی مناطق فلسطین نشین را نیز تغیر داده و نام های عبری بر آن ها نهاده است.

دولت اشغالگر اسرائیل برنامهٔ بازسازی شهر تاریخی قدس را روی دست دارد که بر اساس آن شیوهٔ معماری ساختمان ها و دروازه ها را تغییر داده و آن ها را با سبک به اصطلاح "هیرو دیانی" که یهودیان ادعا دارند در زمان "معبد دوم" وجود داشته، مشابه می سازند.

برنامهٔ یهودی سازی سیاست کلی اسرائیل است که تمام احزاب و گروه ها و نهادها و شخصیت های یهودی برای تحقق آن کار می کنند. نهادهای یهودی و سرمایه داران یهود در داخل و خارج اسرائیل سالانه بیشتر از یک میلیارد دالر را به منظور تطبیق برنامهٔ یهودی سازی قدس به مصرف می رسانند.

مذاکرات حکمتیار با دولت

پیوستن آقای حکمتیار به روند صلح هرچند به معنای پایان دادن به جنگ نیست زیرا طالبان تا هنوز بر ادامهٔ جنگ اصرار می ورزند و این اقدام آقای حکمتیار را کار شخصی او خوانده اند، اما بی تردید هرگونه توافقی میان آقای حکمتیار و دولت می تواند گامی بلند در جهت پایان جنگ باشد.

بقیه از صفحهٔ اول

اما این بار به صورت رسمی و با پیشنهادهایی مشخص هیأت حزب اسلامی آقای حکمتیار وارد کابل شده است به نظر می رسد مذاکرات پشت پردهٔ حزب و دولت در گذشته به مرحله یی رسیده است که حزب به نتایج آن اطمینان یافته است.

اعلام آغاز خروج نیروهای امریکا در سال ۲۰۱۱ از سوی بارک اوباما و انعقاد کنفرانس آشتی و امنیت لندن و بهبود روابط پاکستان و امریکا به ویژه در این اواخر شاید از عواملی باشد که در تسریع روند این مذاکرات نقش بازی کرده است.

هیأت حزب در این مذاکرات پیشنهادی پانزده فقره یی را مطرح کرده است که مهم ترین بندهای آن خروج نیروهای خارجی، و تشکیل یک حکومت مؤقت، و اجرای انتخابات آزاد در سال ۱۳۹۰خورشیدی، و آزادی زندانیان حزب و اخراج نام آقای حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل متحد خوانده شده است.

برخی از این شرط ها مانند تشکیل حکومت مؤقت و سپس برگزاری انتخابات آزاد از شرط های قدیم آقای حکمتیار برای حل مشکل افغانستان است که حتی به دوران حکومت دکتر نجیب در سال های پایانی دههٔ شصت باز می گردد. این شرط ها به باور نویسندهٔ این سطور بسیار بحث برانگیز و مشکل ساز نخواهد بود؛ چون انتخابات به عنوان یک راهکار سیاسی در قانون اساسی افغانستان پذیرفته شده است و حکومت کنونی افغانستان هم خود را ظاهراً بدان متعهد می داند و تشکیل حکومت مؤقتی که این انتخابات را باید برگزار کند با توجه به بی ثباتی ناشی از تقلب دولت در انتخابات گذشته و ناتوانی های روز افزون آن شاید در سطح ملی و بین المللی به مقاومت زیاد مواجه نشود.

آنچه از شرط های آقای حکمتیار ظاهراً دشوارپذیر به نظر می آید شرط آغاز خروج نیروهای خارجی در ماه جولای امسال(۲۰۱۰) و تکمیل آن در طی شش ماه آینده است که بدین صورت خروج این نیروها باید یک سال قبل از موعد تعیین کردهٔ اوباما صورت پذیرد. در برنامهٔ اوباما آغاز خروج نیروهای امریکایی مشخص شده است اما از موعد پایان خروج آنان سخنی به میان نیامده است. بسیاری از تحلیلگران به این باورند که امریکا به صورت کلی خاک افغانستان را ترک نخواهد کرد و خواهد کوشید به سان عراق پایگاه هایی را در این کشور در اختیارش حفظ کند. این جاست که شاید مشکلی در پذیرش شرط پایان حضور نیروهای خارجی از افغانستان که از سوی آقای حکمتیار مطرح می شود پیش آید. اما از نحوهٔ پرداخت هیأت مذاکره کنندهٔ حزب اسلامی بر می آید که در همهٔ موارد روحیهٔ انعطاف پذیری در بحث پیرامون هر یکی از شرط های مطرح شده وجود دارد.

هیأت حزب اسلامی خواستار دیدار و گفتگو با سفارت امریکا در کابل نیز شده است، هرچند سفارت آمریکا در کابل از پذیرفتن این تقاضای هیأت حزب اسلامی مبنی بر دیدار و مذاکره با آنها ابا ورزیده است، اما شرایط و اوضاع منطقه یی و بین المللی به ویژه - چنان که پیشتر گفته شد- بهبود روابط ایالات متحدهٔ امریکا و پاکستان و ایجاد درگیری و تنش میان طالبان و دولت پاکستان پس از دستگیری ملابرادر و مولوی عبدالکبیر از رهبران عمدهٔ طالبان توسط نیروهای پاکستانی زمینهٔ به نتیجه رسیدن این مذاکرات را بیشتر از پیش مساعد ساخته است.

پیوستن آقای حکمتیار به روند صلح هرچند به معنای پایان دادن به جنگ نیست زیرا طالبان تا هنوز بر ادامهٔ جنگ اصرار می ورزند و این اقدام آقای حکمتیار را کار شخصی او خوانده اند، اما بی تردید هرگونه توافقی میان آقای حکمتیار و دولت می تواند گامی بلند در جهت پایان جنگ باشد.

صلح و ثبات پایدار در افغانستان نیازمند مشارکت همهٔ نیروها و لایه های مردمی و اجتماعی این کشور است و آقای حکمتیار با تجربه یی طولانی که در جنگ و صلح دارد می داند که برای این منظور باید دامنهٔ این گفتگوها را فراتر از دولت کرد؛ بدین سبب بوده است که دید وادیدهایی توسط هیأت هایی با رهبران و بزرگان سیاسی بیرون از دولت نیز انجام داده است.

راه صلح و ثبات دایمی در افغانستان بسیار تو در تو و دشوارگذار است اما باید آن را رفت و نخستین شرط آن تن در دادن به حق دیگران و توقف کردن در حد حق خویشتن است.

انتخابات عراق و پی آمدهای احتمالی آن ...

ایاد علاوی که ائتلاف تحت رهبری وی در مقام نخست قرار گرفته است با بازشماری آراء مخالفت نموده خواهان احترام به نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون انتخابات گردیده است.

پارلمان عراق نخست وزیر و رئیس جمهور را تعیین می نمایند. اما هیچ گروهی نتوانسته است اکثریت لازم را برای تشکیل دولت به دست آورد، فکر می شود، یک مرحلهٔ طولانی رایزنی ها و ائتلاف های جدید به منظور به دست آوردن اکثریت در پارلمان صورت خواهد گرفت.

پیش بینی می شود، اختلافات روی نتایج انتخابات وضعیت نسبتاً بی ثبات عراق را بیشتر متشنج سازد. همین اکنون گزارش هایی وجود دارد که نوری المالکی نخست وزیر عراق آماده نیست قدرت را واگذار نماید، رقیب وی آقای علاوی او را متهم به دکتاتوری نموده خواهان احترام به تصمیم های کمیسیون انتخابات از سوی وی شده است.

برخی صاحبنظران پهلوهای خارجی انتخابات عراق را مورد توجه قرارداند و شکست نوری المالکی را که روابط دوستانه با ایران برقرار نموده بود، نشانهٔ شکست سیاست ایران در عراق می دانند و اعتقاد دارند در صورتی که ایاد علاوی موفق به تشکیل حکومت شودع نفوذ کشورهای عربی طرفدار امریکا مانند عربستان سعودی در عراق تقویت خواهد شد.

از سوی دیگر برخی اعتقاد دارند پیروزی ایادعلاوی که دارای گرایش های غربگرایانه است به کاهش نفوذ گروه های اسلام گرا منجر شده و نفوذ این گروه ها در حکومت عراق کاهش خواهد یافت.

در صورتی که قدرت در عراق به صورت مسالمت آمیز انتقال کند می تواند نشانهٔ تقویت دموکراسی و ثبات سیاسی در آن کشور باشد.

یک نظر اجمالی به پوهنتون ها، مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در افغانستان

پوهندوی عبدالعلی کوهی

بنیاد تحصیلات عالی در افغانستان، در سال ۱۳۱۱ هجری با ایجاد فاکولتهٔ طب اساس گذاشته شد، که در منطقه و در میان کوه های همسایه پیشگام می باشد. امروز در افغانستان دانشگاه ها و پوهنتون ها متعدد چون، دانشگاه کابل، دانشگاه پولی تخنیک کابل، دانشگاه طب کابل، دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، دانشگاه هرات، دانشگاه بلخ، دانشگاه ننگرهار، دانشگاه کندهار، دانشگاه تخار، دانشگاه شیخ زید (خوست) دانشگاه پکتیا، دانشگاه بامیان، دانشگاه البیرونی، دانشگاه جوزجان و در سال جاری دانشگاه کنر به فعالیت آغاز نموده است. به همین ترتیب در چوکات وزارت تحصیلات عالی، مؤسسات مختلف در ولایات مختلف ایجاد گردیده است.

پس از حکومت مؤقت با توجه به نیاز جامعهٔ افغانستان به تعداد مؤسسات تحصیلات خصوصی در جنب پوهنتون های دولتی افزوده شده و این مؤسسات جواز فعالیت اکادمیک خویش را از وزارت محترم تحصیلات عالی بدست آورده است. مقرره تأسیس مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و نظارت و ارزیابی مؤسسات از سوی وزارت تحصیلات عالی تنظیم و چاپ گردیده است. بر اساس این لایحه، این وزارت مکلفیت دارد، تا از سیستم تدریس، کیفیت تدریس و میزان پیشرفت این مؤسسات خصوصی مراقبت جدی نماید. پیش از آنکه این مؤسسات تحصیلی خصوصی به یک منبع سود آور تبدیل گردد، باید نیروی متخصص و قابل نیاز را به جامعه تحویل دهد. و قسمی که در طرح استراتیژی وزارت تحصیلات عالی آمده است این وزارت، مؤسسات تحصیلات عالی را در راستای بهبود کیفیت آموزش و انکشاف آنها کمک کند و نظارت بر آنها مانند سویهٔ تحصیلی استاد، برسی از سیستم تدریس، کیفیت تدریس و باز دهی مثبت آنها در یک رقابت آزاد انجام دهد. هر قدر این ارزیابی ها از سوی این وزارت جدی تر گردد به نفع این مؤسسات خواهد بود رهنمایی، تطبیق سوانح تحصیلات عالی بر انکشاف این مؤسسات کمک خواهد کرد. مؤسسات تحصیلات عالی، که جواز فعلیت ازین وزارت را بدست آورده است، اینها است!

وزارت محترم تحصیلات عالی نظر به مفاد قانون اساسی کشور، به چنین گام های مثبت دست یازیده است، که به ذات خود یک دست آورد مطلوب به شمار می رود. هر چند در ایجاد چنین دانشگاه ها مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی، برخی مصلحت های سیاسی در نظر بوده است، با آنهم می توان ایجاد این دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی را، آغاز یک حرکت مثبت در کشور به حساب آورد. آنچه می توان از دشواری های این مؤسسات جدید التأسیس یاد کرد، در گام نخست، نبود کادرهای متخصص و شخصیت های علمی و اکادمیک، محل مناسب تدریسی، مواد لازم و ضروری، به ویژه در ولایات عنوان کرد. اگر به حل این دشواری ها پرداخته نه شود، کیفیت و بازدهی این مؤسسات در سطح پاین قرار خواهد گرفت. بسیاری از دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی در ولایات، در فقر کادر علمی به سر می برند. محصلانی که تازه از دانشگاه های کابل سند فراغت بدست می آورند. به این دانشگاه ها معرفی می گردند. در حالی که این کادر های جوان، خود، به کمک نیاز دارند. این کمبود های سبب گردیده تا کیفیت در این مؤسسات پاین باشد. دولت همه ساله از افزایش دانشگاه ها و ازدیاد محصیلان، در دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی خبر میدهد. اما در کیفیت و چگونگی تدریس در این مؤسسات کمتر سخن گفته می شود.

یکی از چالش های فرا راه وزارت تحصیلات عالی را کمبود استاد متخصص تشکیل میدهد، افغانستان در گام نخست به آموزش با کیفیت ضرورت دارد. ما از یکسو ناگزیر هستیم به فرزندان خویش مفاد تکنالوژی مدرن را عرضه کنیم. از جانب دیگر بر این جوانان است، تا میراث بزرگ علمی و فرهنگی کشور را درست حراست نمایند. در نبود آموزش با کیفیت، ما نخواهیم توانست، بر این دو هدف موفق گردیم. شعار آموزش با کیفیت زمانی عملی خواهد بود که جوانان ما از بنیش های نوین بهره کافی داشته و ذهن و روان آنها آماده پذیرش این بنیش نوین [illegible] درین صورت است که جوانان ما می توانند وارث فرهنگ، تمدن کهن و میراث دار مدنیت تاریخی کشور گردند.

انتقال تکنالوژی مدرن و معاصر به جامعه، مستلزم تلاش های مضاعف علمی در کشور می باشد و تحقق این آرمان ها، تنها توسط محصلان و تلاش های شبانه روزی آنان صورت گرفته می تواند. بدون تردید بخش اعظم این تلاش ها، مربوط فراگیری علوم معاصر، دلسوزی استادان مؤسسات تحصیلات عالی کشور می باشد. امروز ما در افغانستان به آموزش باکیفیت دانش آموزان نیاز شدید داریم. در صورت آموزش با کیفیت می توانیم روز نه یی را با جهان معاصر باز نماییم.

ما در یک جامعه اسلامی زندگی می کنیم، ویژه گی این علم خردورزی و عقلانیت می باشد. تحصیلات عالی با کیفیت از آرزو های دیرینه این سر زمین است. وزارت تحصیلات عالی باید بکوشد، تا از طریق دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی درجنب دست آورد های علمی و تخنیکی، جوانان را با روحیهٔ همزیستی، شهروندی تربیه نماید. یکی از دست آورد های دولت در ظرف سال های اخیر، توسعهٔ دانشگاه های دولتی و خصوصی می باشد که این کار یک پیروزی در جهت فراگیری علوم و فناوری جدید مؤثر می باشد و امید میرود، این پیروزی بیشتر توسعه و گسترش یابد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ اول ۷ حمل ۱۳۸۹ – ۱۰ ربیع الثانی ۱٤۳۰ - 26 March 2010

انتخابات عراق و پی آمدهای احتمالی آن



نتایج انتخابات پارلمانی عراق که در ۱۶دلو ۱۳۸۸ برگزار گردید روز جمعه اعلان شد. طبق این ائتلاف "عراقی" به رهبری ایاد علاوی نخست وزیر سابق در مقام نخست قرار گرفته است، ائتلاف "دولت قانون" به رهبری نوری مالکی نخست وزیر کنونی، ائتلاف میهن به رهبری عمارالحکیم و ائتلاف کردها به ترتیب در مقام چهارم قرار گرفته اند.

در انتخابات عراق ۶۲۸۱نامزد که از میان آنها ۸۰۱نفر زن بودند در چهارچوب ۱۲گروه ائتلافی برای احراز ۳۲۵کرسی به رقابت پرداختند. طبق گزارش نشر شده از سوی کمیسیون انتخابات عراق بیش از ۶۲درصد واجدین شرایط رأی گیری در این انتخابات شرکت کردند.

نتایج اعلان شدهٔ انتخابات با مخالفت شدید شمای از گروه ها و ائتلاف های عراقی روبرو شده است. نوری المالکی نخست وزیر کنونی که در رأس ائتلاف حاکم قرار داشته و در مقام دوم قرار گرفته است با نتایج اعلام شده مخالفت کرده خواهان بازشماری آراء به صورت دستی گردیده است. همچنان رئیس جمهور و شمار دیگری از گروه ها نیز با این نتایج مخالفت کرده، خواهان بازشماری آرائ شده اند. همچنان والیان ده ولایت جنوبی و مرکزی عراق نیز با صدور اعلامیه از درخواست رئیس جمهور و نخست وزیر جهت بازشماری آراء حمایت کردند، در شهر بصره و چند شهر دیگر جنوب عراق به حمایت از نوری المالکی و بازشماری آراء تظاهراتی برگزار گردیده است.

کمیسیون عالی انتخابات عراق، پیشنهاد بازشماری آراء به صورت دستی را رد نموده گفته است، چنین شمارش به امکانات انسانی و مادی فراوان نیاز داشته و حدود یک ماه را در برخواهد گرفت. **ادامه در ص۷**

شاگردان افغان ترک سر آمد امتحان کانکور امسال شدند



فارغان لیسه های افغان ترک در امتحان کانکور امسال به نسبتی بسیار بالا کامیاب شدند. روز پنجشنبه ۵ حمل ریاست عمومی لیسه های افغان ترک با تقدیر از ۱۱ شاگرد ممتاز و اعطای جوایز به آنان این پیروزی را جشن گرفت.

این محفل که در هتل سنترال شهر کابل برگزار گردیده بود، شماری از مسوولین و استادان و شاگردان افغان ترک، معینان و شماری از روسای وزارت معارف و جمعی از مهمانان و خبرنگاران رسانه ها حضور داشتند.

بعد از تلاوت قرآن کریم، آقای یلماز معاون ریاست عمومی مکاتب افغان ترک گفت: ما پنج سال پیش از خانواده ها امانت هایی را تسلیم شده بودیم که بعد از پنج سال این امانت ها را به خانواده های شان و مردم افغانستان باز می سپاریم.

آقای یلماز گفت: اولیای شاگردان و جامعهٔ افغانستان بر این شاگردان حق دارند، و ما باور داریم که این شاگردان به ادای این حق خواهند پرداخت.

معاون افغان ترک، با اشاره به دست آوردهای مکاتب افغان ترک گفت، گرچه به دست آوردهای افغان ترک شما می دانید. این شاگردان به سبب زحمات استادان شان به هرجایی که رفتند افغانستان را خوب تمثیل کردند و مدال های خوبی به دست آوردند. از سال ۲۰۰۴ به این طرف ۶۲ مدال گرفته اند که این افتخارات ما را به آینده امیدوارتر می سازد.

آقای یلماز اضافه نمود: صاحبان هر حرفه روزی را برای برداشت محصول شان دارند که ما این روز را روز محصول شاگردان خود می دانیم و از آن ها تقدیر به عمل می آوریم و می خواهیم این خوشحالی را با جامعه و ملت افغانستان تقسیم کنیم.

امسال با اعلان نتایج کانکور شاگردان افغان ترک در جمع پیشتازان قرار دارند. در کانکور امسال که حدود نودهزار دانش آموز شرکت داشتند به گفتهٔ آقای یلماز، ۲۸۲ تن آن از شاگردان مکاتب افغان ترک بودند که ۲۶۸ به فاکولته های مهمیدانشگاه ها موفق شدند. در ده نفر اول، ۶ تن و در بیست نفر اول ۱۱ تن و در یکصد نفر اول ۲۶ تن از شاگردان مکاتب افغان ترک قرار داشته اند. و همچنان در بین ۱۷۰۰ نفر در کانکور، ۸۶ تن آنان از مکاتب افغان ترک بودند که این ها نمرات بالای ۳۰۰ را کمایی کرده اند. که این افتخار همهٔ ما است.

آقای یلماز، تعداد شاگردانی را که در موسسات تعلیمی راه یافته اند چنین برشمرد:

۵۳ نفر در طب
۱۱۵ نفر در انجنیری
۱۵ نفر در حقوق
۱۹ نفر در اقتصاد
۳ نفر در ژورنالیزم
۶۳ نفر در ساینس و کمپیوتر ساینس و دیگر فاکولته ها

معاون افغان ترک به امتحان کانکور بورسیه های هند نیز اشاره کرد و گفت: که از جمله ۳۵۹ تن اشتراک کنندگان این کانکور ۵۳ تن آنان از مکاتب افغان ترک بودند، که پنجاه تن آنان کامیاب شده اند.

محفل با توزیع جوایزی به ۱۱ تن از شاگردان ممتاز در کانکور امسال به پایان رسید.

جرگهٔ صلح و آشتی

فقیری

از دیرباز سخن از تدویر جلسهٔ صلح و آشتی با مخالفان مسلح دولت و به ویژه طالبان در آینده است. بعد از کنفرانس لندن این موضوع گرم و گرمتر شد و حکومت با تعبیرهای گوناگون قصد خود را برای برگزاری آن تکرار می نماید. زمانی از تدویر لویه جرگه صحبت می شود و زمانی از جرگهٔ بزرگ و یا همایش ملی و...

برگزاری لویه جرگه، گرچه از صلاحیت های رئیس جمهور است ولی به دلیل صورت نپذیرفتن انتخابات شوراهای ولسوالی ها - که یک بخش لویه جرگه را تشکیل می دهد- موضوع تدویر لویه جرگه را با مشکل قانونی روبرو ساخته است!

اراکین حکومت در نشست های رسانه ای، گاهی اوایل بهار و گاهی دیگر میانهٔ بهار را برای برگزاری این جرگه تاریخ داده اند، ولی هنوز به درستی روشن نیست که حکومت چه زمانی را در نظر دارد و یا گذشت زمان، تاریخ دقیق آن را روشن خواهد ساخت.

برای تهیهٔ مقدمات و آمادگی ها، لازم است تا حکومت با شورای ملی و رهبران احزاب مطرح و مقتدر کشور، مفاهمه و مشورت کند؛ از آنها بشنود و در اتخاذ تصامیم آنان را شریک سازد.

شایسته نیست که در فضای دموکراسی و با ادعای مردم سالاری، همه تصامیم به دور از مردم و نمایندگان آنان و به صورت خصوصی و پنهانی گرفته شود و صراحت و روشنی لازم را نداشته باشد!

سؤال های مهمی را که در این مورد می توان مطرح نمود، قرار ذیل است:

۱- حکومت با کدام گروه ها و افراد می خواهد مذاکره نماید و یا کرده است؟

۲- آیا طالبان یک گروه اند و یا به گروه ها منشعب شده اند؟

۳- آیا طالبان دارای رهبری واحد اند؟

۴- آیا طالبان می توانند به صورت مستقل و بدون مشوره و هدایت القاعده و یا کدام کشور و یا کشورها، تصمیم بگیرند؟

۵- آیا مذاکراتی که تا کنون صورت گرفته با افراد رده های بالای طالبان بوده و یا افراد رده های پائین و غیر مطرح؟

۶- آیا مذاکرات یاد شده، با آگاهی و اجازهٔ قبلی رهبری طالبان صورت پذیرفته و یا بدون اطلاع و اذن آنان؟

۷- آیا رهبری طالبان با حکومت افغانستان به حیث یک حکومت مذاکره می کند؟

۸- آیا حکومت افغانستان با اذن و اجازهٔ به اصطلاح جامعهٔ بین المللی، مذاکره کرده و یا خواهد کرد؟

۹- آیا مذاکره با نمایندگان طالبان مسلح و محارب صورت گرفته و خواهد گرفت و یا طالبان غیر مسلح و غیر محارب؟

۱۰- آیا حکومت در جرگهٔ صلح و آشتی که اگر برگزار شود، تنها با طالبان مذاکره خواهد کرد و یا با طالبان و گروه حکمتیار و آیا...